

جانشین خدابخشی در صداوسیما کیست؟ / آیا تفکر رادیکال حاکم بر معاونت سیاسی تشدید می‌شود؟



شناسه خبر: ۱۳۸۹۶۰ دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۲ - ۰۱:۱۰

علیرضا خدابخشی بدون سوابق قابل ملاحظه رسانه‌ای به صورت جهشی روی کرسی معاونت سیاسی نشست و از همان ابتدا نشان داد که مهره کارآمدی نیست.

سرویس فرهنگ و هنر مشرق-روز گذشته علیرضا خدابخشی معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما با حکم پیمان جبلی برکنار شد.

در نخستین ساعات صبح دیروز خبر عزل این چهره پر حاشیه منتشر شد. اما اخبار تکمیلی پساعزل وی نشان می‌دهد، حواشی پشت صحنه این حکم برای تعدیل خبر اولیه همچنان ادامه داشته است.

روابط عمومی سازمان صدا و سیما ۴ ساعت پس از خبر عزل خدابخشی، خبر استعفای او را منتشر کرد و در زمانبندی چهار ساعته دیگری، پیمان جبلی برای او حکم مشاوره صادر کرد.



این زمانبندی دست کم نیاز به تفسیری و تحلیلی پیچیده ندارد. اخبار تکمیلی و انتشار سریالی اخبار مرتبط درباره خدابخشی نشان می‌دهد چاه ویلی که جبلی با انتصابات دو ساله اخیر در مقابل خودش قرار داده، شبیه همان چاهی است که عبدالعلی علی‌عسگری در مقابل خودش ترسیم کرد و همین انتصابات دوره مدیریتی او را محدود به پنج ساله کرد. حالا جبلی و اصرار بر انتصابات اخیرش، موید این آینده‌نگری است که او نیز مسیر مشابه عبدالعلی علی‌عسگری را طی می‌کند.

بسیاری از اکانت‌های مجازی نزدیک به سازمان صدا و سیما پس از نشر خبر عزل «خدابخشی» تلاش کردند شرایط را عادی جلوه دهند و فضا را به نفع او تعدیل و با فضاسازی این خط خبری را القاء کنند که عزل او هیچ ارتباطی به سئوالات «سحر امامی» (مجری گفت‌وگوی ویژه خبری) در گفت‌وگو با حمید رسایی نماینده منتخب مردم تهران روی آنتن زنده

سیما ندارد.



اما روندهای مستند شده در فضای مجازی نشان می‌دهد صحنه‌آرایی روز پنجشنبه در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری تلاقی و تقاطع دو تفکر در صداوسیما و منتخبان رادیکال جدید مجلس را به نمایش می‌گذارد که علاقه ویژه و خاصی به انواع و اقسام «عبورهای سیاسی» دارند.

محمد عکاف، سردبیر خبرگزاری مجلس در واکنش به برکناری معاون سیاسی صداوسیما نوشت: پرسیدم در آن شب کذایی که رسایی مهمان برنامه بود چه کسی در رژی پخش بود؟ گفت خدابخشی. گفتم چه کسی توی گوشی به مجری برنامه می‌گفت آن سوالات را علیه قالیباف و سپاه بپرسد گفت: شخص خدابخشی. گفتم الان

چه خبر؟ گفت تا به امروز این حجم از شادی کارکنان صداوسیما ندیده بودم.

گرچه گفته‌های سردبیر خبرگزاری مجلس هنوز قابل صحت‌سنجی نیست اما خروجی آن برنامه دست‌کم این طراحی را به اذهان عمومی و رسانه‌ها متبادر کرده است.

اگر سوابق خدابخشی را بررسی کنیم درخواهیم یافت او در ابتدای دهه نود به تهران آمد و با حمایت حامیان فعلی‌اش در صدا و سیما فعالیت رسانه‌ای فرهنگی خود را آغاز کرد و بدون سوابق قابل ملاحظه رسانه‌ای روی کرسی معاونت سیاسی نشست و از همان ابتدا نشان داد که مهره کارآمدی نیست.

و... ناگهان معاون سیاسی سازمان صدا و سیما شد



سمت راست جواد محرمی دبیر سرویس روزنامه جوان در برنامه هفت

جواد محرمی دبیر سرویس فرهنگ و هنر روزنامه جوان همزمان با انتصاب علیرضا خدابخشی و ماجرای پارازیت‌ها و هک‌های مکرر شبکه‌های سیما در کانال تلگرامی خود سینما آرمان درباره پیشینه فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی معاونت سابق سیاسی صدا و سیما می‌نویسد:

سال ۱۳۹۲ خدابخشی را از مشهد آورده بودند بالای سر یک تیم تدوینگر و فیلمبردار گذاشته بودند تا تولید محتوای تصویری کنند! یک سایت هم راه اندازی کرده بودند برای بارگذاری آثار، خدابخشی تمرکزی روی کارش نداشت چون شغل اصلی اش چیز دیگری بود، ظاهراً یک کارگاه یا کارخانه ای داشت(به نظرم تولید شیرینی یا چیزی شبیه به این) که ذهنش درگیر آن بود، هر از گاهی سر می زد به مجموعه و می رفت، حتی بعضی وقتها چندتا از نیروهای کارآموز که آنجا بودند را برده بود تا در کار انتقال اثاث و خرده کارهای کارگاهش کمکش کنند، واضح بود که یک سر دارد و هزار سودا، من زیاد در آن مجموعه نماندم اما بعدا شنیدم که رها کرده و رفته جایی دیگر، ظاهراً شهرداری مشهد، چند سال بعد دیدم نامزد نمایندگی مجلس از مشهد شده، برایم خیلی عجیب بود اصلاً مگر در همین تهران نیروی به درد بخور نداریم که او را از مشهد آورده و سرپرست یک تیم در تهران کرده و مگر نمی بیند او تمرکز و فکرش دنبال کارگاهش است! بعدها وقتی حساس ترین معاونت را گرفت با خودم گفتم وقت و انگیزه کافی برای رشد مجموعه اش خواهد داشت؟ پارازیت های این چندماه روی پخش نشان داد ظاهراً شیوه مدیریتش تفاوتی نکرده است.

نقطه عطف عملکرد ضعیف خدابخشی در شهریور ۱۴۰۲ برجسته شد. جمعی از خبرنگاران و کارکنان صدا و سیما شکواییه‌ای را درباره عملکرد وی تنظیم و خدمت مقام معظم رهبری ارسال کردند. در این نامه آمده است:

بسمه تعالی

محضر مبارک مقام معظم رهبری؛ حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)
سلام علیکم.

رهبری عزیز و بزرگوار! جمعی از فرزندان ولایتی‌تان در معاونت سیاسی سازمان صداوسیما با دلی پر درد و افسردگی خاطر ناشی از اوضاع درهم ریخته واحد شاغل در آن، به امیدی این چند مرقومه را به محضر، ولی امر خود می‌نگارند تا شاید همچون گذشته که معظم‌له مانند پدری مهربان شنوای دردل فرزندان خود در افشار گوناگون جامعه بوده‌اند، این بار هم با عنایت به آنچه که در ادامه به محضرشان معروض می‌گردد، در راستای تغییر جهت یک رویه‌ی انحرافی بس بزرگ که در راه حرکت رسانه ملی افتاده، اقدامی عاجل از سوی، ولی و مقتدای خویش را مطالبه کنند.

تنها در یک مورد، وی با وجود اعلام نظر مدیرکل پیشین فنی معاونت؛ آقای دکتر خواجه جعفری، مبنی بر مخاطره انگیز بودن تخریب تحریریه پخش اخبار سیما و تبدیل آن به استودیو، با لفظ "این‌ها چیزی حالی‌شون نیست" اقدام به تخریب محل یادشده کرد که اکنون مشخص گشته به دلیل ریزش طبقه زیرین آن که از قضا محل استودیوهای پخش اخبار صداست، امکان ایجاد استودیو در آن وجود نداشته و حالا بیش از یک سال است که محل یادشده با همان حالت تخریب شده به حال خود رها گردیده

سربازان خدوم ولایت در معاونت سیاسی سازمان صداوسیما به عرض مبارک آن حضرت مستطاب میرسانند؛ دوسال پیش که نام آقای جبلی به عنوان گزینه‌ی ریاست سازمان صداوسیما مطرح گردید، کارکنان انقلابی حوزه خبر و برنامه‌های سیاسی هم به ارتقای بیش از پیش اوضاع داخلی و خروجی آنتن امیدوار شدند.

در بخشی از این نامه آمده است: آقای خدابخشی بارها با ادبیاتی زننده و تحقیر آمیز با کارکنان سخن گفته اند و نوع ادبیات ایشان با بدنه معاونت سیاسی عاقل اندر سفیه می‌نماید. گویی ایشان که کارکنان سازمان با ظرایف خبر بیگانه بوده و ایشان که تا پیش از این مشغول کار رستوران داری بودند به این حوزه اشراف فوق صددرصدی دارند! به کار بردن تعبیری مانند "اینا که کار نمی‌کنن" "این‌ها که چیزی حالی‌شون نیست" یا تعبیر تحقیر آمیز "نیروهای کمیته امدادی" که از سوی نامبرده در مورد کارکنان قراردادی معاونت بکار گرفته شده و موارد دیگری از این دست، حرمت کارکنان را شکسته است.

تنها در یک مورد، وی با وجود اعلام نظر مدیرکل پیشین فنی معاونت؛ آقای دکتر خواجه جعفری، مبنی بر مخاطره انگیز بودن تخریب تحریریه پخش اخبار سیما و تبدیل آن به استودیو، با لفظ "این‌ها چیزی حالی‌شون نیست" اقدام به تخریب محل یادشده کرد که اکنون مشخص گشته به دلیل ریزش طبقه زیرین آن که از قضا محل استودیوهای پخش اخبار صداست، امکان ایجاد استودیو در آن وجود نداشته و حالا بیش از یک سال است که محل یادشده با همان حالت تخریب شده به حال خود رها گردیده و طبقه چهارم ساختمان شیشه‌ای جام جام به متروکه‌ای بدل گشته که همکاران قدیمی معاونت با مشاهده آنچه که بر سر آن وارد آمده، تنها حسرت روزهای پر جنب و جوش گذشته در دلشان تازه می‌شود.

در ابتدای حضور آقای خدابخشی در کسوت معاون سیاسی، وی با در هم ریختگی ساختار معاونت و ادغام همه بخش‌های خبری در درون ساختار به اصطلاح "تحریریه واحد" ضمن نقض اصول بدیهی پدافند غیرعامل، حجم زیادی از جمعیت مجموعه معاونت سیاسی را در طبقه اول ساختمان شیشه‌ای متمرکز کرد که عملاً نه تنها به بهبود کیفیت اخبار کمکی منجر نشد بلکه گزارش‌های متعدد اداره کل نظارت و ارزیابی خبر و برنامه‌های سیاسی موید افت شدید و محسوس کیفیت خبر رادیو و تلویزیون است.

همه این‌ها در شرایطی صورت گرفته که برای ایجاد تحریریه مذکور هزینه‌های فراوانی به بیت المال به واسطه تخریب پارتیشن‌ها و اتاق‌های موجود در طبقه اول ساختمان شیشه‌ای وارد شده است. نکته جالب توجه آنکه تجمیع این حجم از نفرات علاوه بر مخاطراتی که بدان اشاره شد، به طور طبیعی به واسطه تردهای انسانی ایجاد شده ناشی از تجمیع افراد در محلی محدود - آنهم بدون در نظر گرفتن تمهیدات رفاهی و امنیتی که براحتی از سوی هر فرد صاحب اندیشه‌ای قابل پیش بینی بود - تمرکز کاری و آرامش روانی همکاران را به کل از بین برده است.

بدون شک می‌توان این موضوع را یکی از دلایل موثر در افت کیفیت خروجی آنتن دانست. به این مورد باید تخریب زیرساخت‌های بهداشتی مورد نیاز کارکنان و تبدیل آن به اتاق جلسات (!) آنهم با وجود این حجم از جمعیت که در بالا اشاره شد را نیز افزود.

نکته‌ای که از قضا با مخالفت صریح واحد تخصیص مکان سازمان هم روبه‌رو شد. اما علی‌رغم این مخالفت‌ها و نارضایتی‌های کارکنان، باز با حمایت تمام قد آقای جبلی از جناب خدابخشی محل مورد نظر تخریب شد. سریال رفتارهای آزارگرانه خاله‌زاده‌ی آقایان جلیلی البته به اینجا ختم نمی‌شود. قرار دادن اتاق‌های (باکس) تدوین در کنار تحریریه‌ها به شکلی باز و بدون طراحی درست که سروصدای آن از بین بردن تمرکز خبرنگاران و دبیران خبر را در پی داشته از دیگر تحولات فوق‌العاده‌ی (!) آقای خدابخشی است که از قضا بارها باعث ایجاد تنش لفظی میان خبرنگاران؛ دبیران یا سردبیران با تدوینگران شده است.

چرا که محل‌های ایجاد شده به هیچ وجه استاندارد یک واحد تدوین را نداشته و تعبیه آن در کنار تحریریه‌ها بدون هیچ چهارچوب فیزیکی محصور، موجب بروز سروصدا در محیط کاری تحریریه‌ها شده است. آنهم با وجود سروصداهایی که به طور معمول با تجمیع این حجم از نفرات خود به تنهایی سلب آرامش کاری همکاران را در پی داشته و هر عاقلی که تجربه کمی هم در حوزه خبر داشته باشد به راحتی این را درک میکند.

اما گویا مصالح کارکنان و منطق کار ذره‌ای برای معاون سیاسی محبوب آقایان جبلی و جلیلی اهمیتی نداشته و حتی اگر

قرار باشد با تحمیل هزینه‌های فراوان و از بین بردن بیت‌المال و در هم کوبیدن اصول بدیهی پدافند غیر عامل هم کار باب میل جناب خدابخشی انجام گیرد، باید بشود.

چرا که میل ایشان اینگونه خواسته است! همه این‌ها در حالی رخ میدهد که نام برده با ادبیاتی زشت نسبت به مدیران سابق معاونت که هر کدام وزنه‌ای در حوزه خبر به حساب می‌آمدند، آن‌ها را به نفهمی و صفات زننده‌ای از این دست متهم میکرد. مدیرانی که هرگز اقدامات آزارگر ایانه این فرد را به بدنه کارکنان معاونت سیاسی تحمیل نکردند.

در دوره‌های گذشته همگی همکاران حوزه خبر و برنامه‌های سیاسی با آرامش خاطر و بدون تشویش روانی و فکری، وظایف خود را به خوبی ایفا می‌کردند. چیزی که در خروجی آنتن به خوبی تفاوت آشکار خود را با دوسال اخیر نمایان نموده است.

باید پرسید تجمیع این حجم از جمعیت در مکانی که زیرساخت‌های عمرانی؛ بهداشتی و نیز تمهیدات امنیتی در آن برای حجم بسیار کمتری از جمعیت کنونی پیش بینی شده، چه منطقی دارد؟ چه برسد به اینکه بخش دیگری از همین زیرساخت‌ها به خواست آقای خدابخشی تخریب هم شده است. آیا با تخریب پارتیشن و ایجاد فضای یکپارچه بدون تفکیک، رخداد مثبتی در خبر و برنامه‌های سیاسی سازمان روی داد با به عکس؛ کیفیت خبر کاهش محسوسی پیدا نموده است؟

آیا به طور مثال یک بانوی همکار با وجود تفکیک فضای فیزیکی فضاها از یکدیگر، در صورت نیاز به تعویض لباس می‌توانست با رعایت حریم شخصی این کار را انجام دهد یا با وضعیتی که جناب خدابخشی اکنون به وجود آورده است؟ آیا پیش از آن در زمانی که شبکه خبر؛ خبرگزاری صداوسیما؛ باشگاه خبرنگاران جوان؛ پخش اخبار سیما و اداره کل برنامه‌های سیاسی هر کدام به صورت مجزا کارهای محوله خود را انجام می‌دادند، کیفیت خروجی آنتن بهتر بود یا شرایطی که اکنون با این حجم از فشار روحی‌روانی و حتی جسمی که به کارکنان وارد آمده است؟ آیا خوانش‌های متکثر در عین داشتن یک روایت واحد برای مخاطبان بیشتر جاذبه داشت. همان چیزی که سابق بر این خبرگزاری صداوسیما؛ شبکه خبر؛ باشگاه خبرنگاران جوان؛ خبر شبکه جهانی جام جم و پخش اخبار صدا با نشان مخصوص خود انجام می‌دادند. یا آنچه که اکنون به شکل یکنواخت در تمامی خروجی‌های رادیو و تلویزیون به روی آنتن میرود؟

برنامه‌های شاخصی مانند "مجله خبری"، "تیتراژ امشب" و "نگاه ۱" در آستانه انتخابات شاهد تعطیل شدن برنامه‌های شاخص دیگری همچون "گزارش هفتگی"، "رو در رو" و دیگر برنامه‌های سیاسی تلویزیون هستیم. در این میان فضای افسرده‌ی چیره شده بر عوامل برنامه‌های یاد شده را هم نباید از قلم انداخت. در بند سوم این عریضه با عنوان "حذف نشاط و

انگیزه کاری و بی برنامه‌گی معاونت در آستانه انتخابات "آمده است: آقاجان! ما هم مانند، ولی امرمان حضور حداکثری در انتخابات را یک فریضه مهم میدانیم. بر همین اساس هم بود که در دوره‌های گذشته، حدود یکسال و نیم پیش از هر انتخاباتی تمهیدات لازم برای برنامه‌های انتخاباتی در دستور کار معاونت سیاسی قرار میگرفت و طرح‌های انتخاباتی از بخش‌های مختلف معاونت دریافت می‌گردید. این امر به ویژه در حوزه‌ی اداره کل برنامه‌های سیاسی بیشتر مورد توجه بود.

چرا که گروه‌های برنامه‌ساز این اداره کل متناسب با نوع مأموریت هر شبکه‌ی رادیویی و تلویزیونی، تهیه کنندگان خود را برای تهیه برنامه‌های انتخاباتی آرایش رسانه‌ای میدادند. مدیران گروه‌های سیاسی رادیو و تلویزیون نیز تعامل خود با شبکه‌ها را برای پخش ویژه برنامه‌های انتخاباتی از همین ایام شروع می‌کردند. در کنار اداره کل برنامه‌های سیاسی، هر کدام از دیگر بخش‌های معاونت نیز در فاصله زمانی به وجود آمده مقدمات لازم را مهیا کرده تا فضا را برای حضور حداکثری مردم در این رخداد بسیار مهم ملی هرچه بیشتر مهیا سازند.

اما اکنون با وجود فاصله زمانی کمتر از ۹ ماهه تا انتخابات مجلس دوازدهم نه تنها هیچ نقشه راه مشخصی برای بخش‌های معاونت در زمینه انتخابات پیش رو مشخص نشده بلکه تازه چند روزیست ستاد انتخابات سازمان به ریاست آقای خدابخشی تشکیل شده تا ببینند که چه کار می‌خواهند بکنند!

در حالیکه در دوره‌های پیشین بر مبنای آنچه که گفته شد یک سال پیش از انتخابات، ستاد آن در سازمان آنهم با فضای فیزیکی مشخص و البته داشتن در و پیکر (!) تشکیل می‌گردید. این‌ها به جای خود؛ اکنون پس از برنامه‌های شاخصی مانند "مجله خبری"، "تیر امشب" و "نگاه ۱" در آستانه انتخابات شاهد تعطیل شدن برنامه‌های شاخص دیگری همچون "گزارش هفتگی"، "رو در رو" و دیگر برنامه‌های سیاسی تلویزیون هستیم. در این میان فضای افسرده‌ی چیره شده بر عوامل برنامه‌های یاد شده را هم نباید از قلم انداخت.

در بنده چهارم این عریضه با تاکید بر ویژه‌ی خواری عناصر ضعیف؛ تبعیض آشکار و سخیف در محیط کاری؛ رفتن عناصر توانمند و کاردان به حاشیه نکات قابل اعتنایی مطرح شده است: از جمله ادعاهای تیم کنونی حاضر در رسانه ملی "انحصارطلبی مدیران پیشین در تخصیص فرصت استفاده از آنتن" برای عده‌ای خاص بود. اما اکنون شاهد آن هستیم که نه تنها این موضوع محقق نگشته بلکه عناصر به واقع ناکارآمد و انحصار طلب که به شکلی بسیار سخیف به آنان مسئولیت داده شده، از فرصت داده شده کمال سواستفاده را می‌کنند که از قضا همگی از افراد محبوب آقای خدابخشی هستند. به عنوان نمونه فردی که اصلاً سرباز است و صرفاً با تقلید از برخی خبرنگاران رسانه‌های فارسی زبان بیگانه به گزارش‌های خود رنگ و لعاب میدهد، به دلیل علاقه فردی آقای خدابخشی به وی، علاوه بر آنکه به صورت

امریه در خبرگزاری صداوسیما خدمت سربازی خود را میگذرانند، با انتصاب به عنوان سردبیر میز به اصطلاح “دفاعی” علاوه بر آنکه فرصت تهیه گزارش‌های میدانی رده ۱ را از سایر خبرنگاران گروه یادشده گرفته، بارها گاف‌های محتوایی و حتی امنیتی در گزارش‌های خود داده و ارائه اطلاعات بعضا غلط در گزارش‌ها مانند انتصاب ساخت پل معروف بعثت به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء در دوران دفاع مقدس (در حالیکه اصلا این قرارگاه در زمان جنگ وجود خارجی نداشته).

حضور در بیشتر نشست‌های خبری و رخدادهای مهم دفاعی به جای دیگر خبرنگاران و ... تنها بخشی از موارد رفتارهای غیر حرفه‌ای و گاف‌های وی به حساب می‌آید. انگار نه انگار که ایشان سردبیر هستند و وظیفه‌شان مدیریت حوزه خبری محوله است نه تهیه گزارش! حال آنکه در گروه مذکور افراد بسیار با تجربه‌تر و مسلط‌تر بر حوزه اخبار دفاعی حضور داشته یا دارند که یا بالاجبار مجبور به ترک حوزه خبر دفاعی شده و یا به خاطر شرائط سخت به وجود آمده به حاشیه رفته‌اند. یا در میزهای خبری دیگر همچون بانک و بیمه سردبیرانی که از اندیشکده‌های مرتبط با آقای جلیلی آمده‌اند، بدون آشنایی قبلی با اصول خبرنگاری آنهم به ویژه خبر رادیو-تلویزیون، متولی سردبیری خبر اقتصادی شده‌اند.

نکته آنکه از منظر حرفه‌ای گری رسانه‌ای، در حوزه اخبار اقتصادی بیش از آنکه یک سردبیر اقتصاددان باشد، نیاز دارد تا فردی مسلط به تهیه و تدوین اخبار اقتصادی به حساب آید. اما گویا اساسا برای آقای خدابخشی این مورد ذره‌ای اهمیت ندارد. مهم آن است که فرد دلخواه ایشان در حوزه مربوطه مدیر باشد که این کار هم با استفاده از اختیارات ایشان به راحتی قابل اعمال است!

در نقطه مقابل به حاشیه رفتن خبرنگاران حرفه‌ای است که در دوره گذشته به شایستگی در حوزه مربوط به خود تربیت و بکارگیری شده بودند. از خاطرم نمی‌رود بر مبنای بیانات معظم‌له که اهمیت فضای مجازی را به مانند اهمیت انقلاب اسلامی عنوان فرموده بودید، ریاست وقت خبرگزاری صداوسیما یکی از خبرنگاران کارآزموده را مامور تهیه بسته خبری‌ای با نام “هشتگ‌ها و روایت‌ها” کرده بود که به موقع به شایعات دشمنان در رسانه‌های معاند به ویژه در بستر فضای مجازی پاسخ قاطع میداد.

تا جایی که موجب خشم رسانه‌های معاند شده بود. اما اکنون به یمن رفتارهای اعوجاج گونه‌ی آقای خدابخشی انگیزه و ابتکار عمل از آن خبرنگار محترمه گرفته شده و ایشان به جای تمرکز بر حوزه‌ای که برای آن تربیت شده بود، در حوزه غیر مرتبط دیگری فعالیت می‌کند. قدر مسلم یکی از مولفه‌های ایجاد احساس ناامیدی و افسردگی در بین کارکنان دیدن همین موارد است.

در کنار اینها، در دوره گذشته شبکه‌ای تلویزیونی-اینترنتی با عنوان “مردم خبر” هرچند به شکل آزمایشی، اما با یک هدفگذاری کلان در بستر اینترنت ایجاد شده بود و میرفت تا پس از طی دوره آزمون و خطا با شناسایی کمبودها و اشکالات سیستمی، حضور موثری را در فضای مجازی به عنوان مرجع خبر ایجاد نماید. اما اکنون نه تنها از آن شبکه خبری نیست که اساسا گویا چیزی به نام حضور موثر در فضای مجازی اصلا در قاموس فکری جریان حاکم بر معاونت سیاسی وجود ندارد!

موضوع دیگر جابه‌جایی مکرر فیزیکی نیروها در معاونت است. اساسا گویا برای آقای خدابخشی تخریب امکان ساختن شیشه‌ای و تغییر مدام محل استقرار نیروها بر کیفیت اخبار اولویت دارد!

جالب اینجاست ایشان حتی بر نحوه استفاده کارکنان از امکانات بهداشتی ساختمان هم دخالت کرده و تاکید بر استفاده از دمپایی در این امکان بر توجه به نیازهای اساسی کارکنان؛ آرامش فضای کاری یا بهبود هرچه بیشتر خروجی آنتن ارجح است! برای ایشان اصلا اهمیتی ندارد که روزی دسترسی محل تردد کارکنان در یک ضلع ساختمان را ببندد و یک روز دیگر زیرساخت بهداشتی و رفاهی ساختمان را تخریب کند. آنچه که مهم است منویات شخصی اوست که باید اجرا گردد و در این رابطه حمایت بی، چون و چرا برای آقای جبلی و جناب وحید جلیلی پشت گرمی آقای خدابخشی برای اعمال هرگونه فشار کاری بر کارکنان آنهم در برهه حساس منتهی به انتخابات شده است.



آقا جان! در این میان بچه‌های مظلوم و پرکار باشگاه خبرنگاران جوان را نباید از یاد برد. نهادهای که حکم نیروی مقاومت بسیج را برای معاونت سیاسی سازمان داشت و این روزها درب ساختمانش بسته گشته است. بچه‌های باشگاه اکنون در کپسول فشرده شده انسانی معاونت سیاسی در طبقه اول ساختمان شیشه‌ای در کنار دیگر همکاران حضور پیدا می‌کنند و در این شرایطی که پیشتر بدان اشاره گردید، تنها اخبار دریافتی نهادهای دیگر را بر روی خروجی سایت باشگاه خبرنگاران جوان منتشر می‌نمایند. از این دردناک‌تر فشارهای مضاعف مدیری است که بر این بچه‌ها گمارده شده. فردی بدون ذره‌ای تجربه کار خبری که هر از گاهی به بخشی از بچه‌های باشگاه که خود آن‌ها را دور کار کرده می‌گوید: ”می‌خواهم همه شما را مرخص کنم تا بروید دنبال کارتان!“

آقا جان! خاطرم آن هست که حضرت‌عالی در چندین سخنرانی مطالباتی را خطاب به صداوسیما بیان فرمودید. مثلاً در دیدار رضایی با کارگزاران نظام از رسانه ملی خواستید تا به شایعات و شبه‌افکنی‌های دشمنان در فضای مجازی پاسخ مناسب

دهد. همکاران انقلابی و دغدغه‌مند معاونت سیاسی که بر اساس تجربه دوره‌های گذشته انتظار داشتند به مجرد اشاره، ولی امرشان بلافاصله مدیران معاونت سیاسی نسبت به عملی شدن فرمایشات حضرت مستطاب همه امکانات حوزه خبر و برنامه‌های سیاسی بکارگیری کنند، این بار هر چه منتظر ماندند هیچ واکنشی را از سوی معاون سیاسی ندیدند. یا اخیراً از همه رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی خواسته بودید تا اهمیت فناوری صلح آمیز هسته‌ای را در همه شعوب آن برای مردم بازگو کنند.

اما گویا این امر تنها در بازتاب سخنرانی حضرت مستطاب با مسئولان و دانشمندان سازمان انرژی اتمی مطرح گشت و پس از آن هیچ ترتیب اثری بدان داده نشد. چرا راه دوری برویم؟ همین شعار سال خودش شاهد مثال خوب دیگری برای فضای آشفته معاونت سیاسی است. هم شما و هم ما کارکنان معاونت سیاسی به خاطر داریم که در دوره‌های گذشته بر مبنای یک برنامه ریزی یکساله، چه در شبکه خبر؛ چه در خبرگزاری صداوسیما؛ چه در پخش اخبار صدا و چه در اداره کل برنامه‌های سیاسی، بسته‌های خبری و رسانه‌ای متنوعی برای تحقق شعار هر سال در دستور کار معاونت سیاسی قرار میگرفت. بر همین مبنا هم فضای پرنشاطی در همه ارکان معاونت به وجود می‌آمد تا امر مدنظر معظم له به عنوان یک فریضه دینی و اعتقادی محقق گردد.

رهبر عزیز! دلمان پر درد است از اینکه می‌بینیم حضور موثر در فضای مجازی که پیشکش! اکنون غرور ملی و کاری همکاران با یک کج سلیقگی دیگر معاون سیاسی بیش از پیش جریحه دار گشته که همانا برگردان کردن گزارش‌های تولیدی دیگر شبکه‌های خارجی و پخش آن از بخش‌های خبری صداوسیماست. برگردان شدن گزارش‌های خبری شبکه‌های المیادین؛ المنار و روسیه الیوم و ... نمونه‌هایی از این رفتار غیر حرفه‌ای متولیان حوزه خبر در معاونت سیاسی است.

آنهم در شرایطی که اساساً صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به عنوان رسانه مرکزی جبهه مقاومت در عصر جنگ روایت‌ها، بایستی روایت مختص به خود را داشته باشد. این نکته به ویژه در بین خبرنگاران نسبتاً جوان‌تر سازمان که انگیزه کاری فزون‌تری برای کار دارند، بیشتر مایه سرخوردگی شده است. در این میان آنچه نمک بر زخم دل بچه‌های انقلابی معاونت سیاسی پاشیده، بی‌اعتنایی آقای خدابخشی به توصیه‌های دلسوزانه باقی مانده‌های عناصر باتجربه و آگاه معاونت است. توصیه‌هایی که در زمان اعتراضات دوسال پیش اصفهان درخصوص نحوه پوشش اخبار اعتراضات کشاورزان به معضل کم آبی با بی‌توجهی و حتی برخورد تند نام برده مواجه گردید که بعدها با دامن زدن به ماجرا و در ادامه تبعاتش همانگونه که مستحضرید خود را نشان داد.

تبعیضات مالی؛ فشارهای هر روزه با مقررات خودساخته؛ ایجاد التهاب داخل بدنه بومی معاونت در آستانه انتخابات

گروه حاکم بر معاونت سیاسی برای پرداخت مبالغ کارانه و اضافه کار، فرمولی به ظاهر عادلانه، اما در واقع به شدت ناعادلانه را در پیش گرفته اند. بر اساس این فرمول، پرداخت کارانه‌ها بر اساس میزان خبر و گزارش‌های تولیدی در نظر گرفته شده است. نکته ظریف و مغفول در این شیوه پرداخت، نادیده گرفتن منطق هر سرویس خبری بوده که ممکن است پر خبر یا کم خبر باشد.

مثلا به صورت معمول حوزه خبری اقتصادی پر خبر است، اما حوزه خبری دفاعی کم خبر به حساب می‌آید. از سوی دیگر اگر بنا باشد که ملاک پرداختی کارانه، تولید هرچه بیشتر گزارش در نظر گرفته شود، کیفیت فدای کمیت می‌گردد. و، اما نکته بسیار قابل تامل که از قضا جزو بلیه‌های دوره اخیر است، به همان موردی برمیگردد که پیش‌تر در مورد حوزه اخبار دفاعی به محضر مبارک عرض شد. وقتی کسی که خود هم سردبیر است و هم خبرنگار و به خاطر نداشتن ظرفیت پذیرش مسئولیت به دلیل ناپختگی؛ بی تجربگی و پیروی از هوس‌های شخصیت فرصت تهیه گزارش را از دیگر خبرنگاران می‌گیرد، آنچه که خروجی مسلم آن خواهد شد، آمار پایین تولیدات خبری یک خبرنگار و در مقابل افزایش بی رویه‌ی عملکرد خبرنگار یا سردبیر حوزه ایست که همه این‌ها را خودش انجام می‌دهد.

مقتدای بزرگوار! گرچه میدانیم خروجی آنچه که به روی آنتن می‌رود از نگاه تیزبین حضرتعالی و بخش‌های ناظر در دفتر جنابان پنهان نیست و بدون شک بروز نارضایتی عمومی از عملکرد رسانه ملی در همگی بخش‌ها که این روزها در نشست‌های گوناگون دانشگاهی و ... با مدیران سازمان بازتاب‌های زیادی را به ویژه در فضای مجازی به دنبال داشته، حتما به عرض مبارک رسیده است. اما به نظر میرسد آنچه که در شعاع نارضایتی‌های عمومی از عملکرد رسانه ملی کمتر به چشم آمده، کاهش انگیزه بخش زیادی از کارکنان خدوم رسانه ملی از عملکرد تیم مدیریتی حاکم بر سازمان بوده که در این میان نارضایتی کارکنان معاونت سیاسی به عنوان حساس‌ترین بخش سازمان، یکی از شدیدترین موارد روزمرگی‌های تلخ این روزهای رسانه ملی است.

آقا جان! همه این موارد در شرایطی رخ میدهد که در دوره‌های گذشته، یکی از افتخارات کارکنان ولایی معاونت سیاسی صداوسیما ابراز رضایت آن رهبری فرزانه از عملکرد معاونت سیاسی بود. اما اکنون جز شرمندگی از عملکرد ضعیف معاونت سیاسی رسانه ملی در این دوره و باختن میدان به رسانه‌های معاند و شایعه پراکنان فضای مجازی چیز دیگری بر چهره نگارندگان این نامه در برابر، ولی امر و مقتدایشان ننشسته است.

مقتدای ما! گرچه به نظر میرسد دستانی در کارند تا از روی غفلت یا خدای ناکرده به عمد، با اینجاد نارضایتی‌های

گسترده در بین بدنه مومن رسانه ملی به ویژه معاونت سیاسی، فضای تنش و درگیری دیگری را اینبار در یکی از حساس‌ترین نهادهای کشور رگم بزنند. هیئات! که فرزندان انقلابی معظم له در دام چنین توری بیفتند که تنها ماهیگرانش معاندین قسم خورده انقلاب اسلامی و ملت عزیز ایران است. اما آقا جان! فشار روانی و روحی بر فرزندان به واسطه کج رفتاری‌های گروهی قدرت طلب سایه افکنده و تلخ‌ترین روزهای خود را میگذارند.

سید و، ولی امر بزرگوار! سخن از رنج‌های این دو سال اخیر بسیار است که مقتضی جایگاه شما نمی‌طلبد وقت گرانبایان را که می‌بایست مصروف رسیدگی به تمام امور جاریه کشور شود با آن مشغول گردانیم.

اکنون ما جمعی از کارکنان معاونت سیاسی رسانه ملی، ضمن تجدید بیعت با مقام عظمی ولایت، از آن رهبری گرانقدر عاجلانه تقاضا نمودیم تا با عنایتی پدرانه به فرزندان خود در حوزه خبر و برنامه‌های سیاسی، نسبت به تغییر ریل غلطی که باعث ناکامی رسانه ملی در عرصه جنگ روایت‌ها در برابر جبهه رسانه‌ای استکبار شده، عنایت خاصه خود را نسبت به فرزندان انقلابی و ولایتمدار خود در رسانه ملی و به ویژه معاونت سیاسی مبذول فرمایند.



این عریضه با عنوان والامر الیکم و امضای جمعی از کارکنان معاونت سیاسی رسانه ملی به پایان می‌رسد. نکته جالب اینجاست که این نامه در نهایت تاسف در رسانه‌های انقلابی منتشر نشد و به کل نادیده گرفته شد.

در واقع یک تصمیم نانوشته این مشی دنبال می‌شود که به مدیران رسانه ملی از زمان حضور و انتصاب معاونان، فرصت دوساله‌ای داده شود. اما ماجراجویی‌های سازمانی و خانوادگی در این رسانه در برنامه ویژه گفت‌وگوی خبری عیان شد و نفی راهبرد رهبری مبنی بر تلخ نکردن کام مردم، نشان می‌دهد که آستانه صبر استراتژیک رسانه‌های انقلابی در مقابل انتصاب‌های سازمان صدا و سیما به پایان رسیده است.



نکته جالب در عزل پسر خاله وحید جلیلی و انتصاب محمدعلی صائب این است که او نیز از نزدیکان وحید جلیلی است. صائب پیش از این معاون سیاسی اداره کل صدا و سیما استان خراسان جنوبی این است که اگر او در آزمون ورودی یک رسانه، با رویکرد سیاسی شرکت کند قطعاً امتیازات لازم را کسب نخواهد کرد اما به عنوان اولین و نزدیکترین گزینه توسط وحید جلیلی توسط جبلی انتخاب می‌شود.

این انتصاب عجولانه نشان می‌دهد جبلی همانطور که میزان مخاطب معمول برنامه‌های رسانه ملی مرزهای کاهش را طی می‌کنند و میانگین مخاطب صدا و سیما به حوالی ۱۰ درصد رسیده، تنها دلیلش اعتماد به انتصاب ها و نیروهای معتمد وحید جلیلی است.

تازه‌ترین نمونه این نگاه هم حضور فردی تندرو با سابقه حاشیه‌سازی و اظهارات ملتهب به نام مهدی جمشیدی است. او

با حضور در برنامه‌ای مناظره محور نشان داد که این فرصت برای چهره‌هایی که به بهانه نقد درون گفتمانی مشغول بریدن تنه نظام هستند همچنان فراهم است و در بر همان پاشنه زمان خدابخشی می‌چرخد. یا شاید نمونه دیگری که تبدیل به مضحکه عمومی شد حضور احمد مجدزاده در یک مناظره است که بعدها به یک دستاویز مضحک در فضای مجازی تبدیل شد.

باید دید آیا جلی اشتباه راهبردی انتصاب خدابخشی را با تبدیل حکم سرپرستی صائب به معاونت تکرار می‌کند یا به محض یافتن گزینه‌ای شایسته و متناسب با فضای سیاسی کشور و ضرورت مدیریت سطح تنش سیاسی، سکان معاونت سیاسی تحویل نفر بعدی خواهد شد.

انتهای پیام/